

# مفهوم فقر از دیدگاه دین و دانش نوین و پیامدها و شیوه‌های رویارویی با آن

دکتر سید محمود طباطبائی

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی

## چکیده

فقر یک پدیده نامطلوب اجتماعی است که وجود و گستردگی دامنه آن در جامعه به پیامدهای زیان‌بار همه‌جانبه‌ای در کوتاه‌مدت و درازمدت می‌انجامد. این پدیده شوم در همه ادیان و فرهنگهای بشری نکوهش شده، برای زدودن آن از جامعه راهها و روشهای گوناگونی پیشنهاد شده است.

با یک نگرش عمیق در فرهنگ غنی و پربار اسلامی نخست به شناسایی مفهوم فقر پرداخته، پس از آن به ارزیابی مصادیق فقر در جامعه - به ویژه جامعه ایران اسلامی - می‌پردازیم، سپس به بررسی پیامدها و راههای زدودن یا مقابله با آن خواهیم پرداخت.

واژه‌های کلیدی: فقر، فقر فرهنگی، فرهنگ اسلامی

پدیده فقر اگر چه در همه فرهنگهای بشری به خوبی شناسایی شده و معمولاً به معنی تنگدستی و تهیدستی به کار می‌رود. اما بسته به مقطع زمانی و مکانی و نوع فرهنگ حاکم بر جامعه، تعاریف و مصادیقی برای آن ارائه شده است. به عنوان مثال:

الف: حسین بن محمد راغب اصفهانی از ائمه اهل سنت که در لغت، تفسیر، حدیث، حکمت و کلام متبحر بوده، فقر را به معنای نیازمندیهای مادی و زیستی

موجودات زنده، عدم برخورداری از وسایل و امکانات اولیه و اساسی زندگی، آزمندی و بسنده نکردن به امکانات موجود و بالاخره به معنی احساس همیشگی نیاز به خداوند آورده و بدیهی است که از چهار مورد یاد شده، نخستین آنها ضروری و فطری است، دومی امری منطبق با واقعیت است، سومی صفتی است ناپسند و نکوهیده و چهارمی صفتی است پسندیده و ضروری برای هر فرد موحد و مؤمن. (۱)

ب: پژوهشگران علوم اجتماعی و اقتصادی امریکایی در پژوهشی مربوط به اواخر دهه ۱۹۸۰ م (دهه ۱۳۶۰ ه. ش.)، درآمد سالانه کمتر از ۹۵۰۰ دلار را برای زوجی که تنها یک فرزند دارند، زندگی در زیر خط فقر به شمار آورده (۲) و بر این اساس ادعا کرده‌اند که حدود ۲۳٪ از مردم امریکا، زیر خط فقر زندگی می‌کنند. (۳) بنابه همین پژوهش، از هر ۵ کودک امریکایی یکی در زیر خط فقر زندگی می‌کند،

۱- المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۸۳: الفقر يُستعمل على أربعة أوجه: الأول وجود الحاجة الضرورية و ذلك عامٌّ للإنسان مادام في دار الدنيا بل عامٌّ للموجودات كلها، و على هذا قوله: (يا أيها الناس أتمم الفقراء إلى الله) و إلى هذا الفقر أشار بقوله في وصف الإنسان (و ما جعلناه جسداً لا يأكلون الطعام). الثاني: عدم المقتنيات و هو المذكور في قوله: (للفقراء الذين أحصروا) إلى قوله: (من التّعفف إن يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله) و قوله: (إنما الصدقات للفقراء والمساكين).

الثالث: فقر النفس و هو السيرة المعنوية بقوله عليه الصلاة والسلام: (كاد الفقر أن يكون كفراً) و هو المقابل بقوله: (الغنى غنى النفس) و المعنى بقولهم: من عدم القناعة لم يفد المال غنى.

الرابع: الفقراء إلى الله المشار إليه بقوله عليه الصلاة والسلام: (اللهم اغني بالإنفاق إليك و لا تُفقرني بالإستغناء عنك) و آية غني بقوله تعالى: (رب إني لما أنزلت إلي من خير فقير).

۲- مقدار خط فقر در کشورهای غربی در همه مقاطع زمانی و مکانی یکسان نیست و براساس هزینه‌های جاری و حداقل پس انداز، هر سال در ماه فوریه معین می‌شود. لازم به یادآوری است که در برخی از کشورهای غربی، غیر از خط فقر، اصطلاح دیگری تحت عنوان امنیت اجتماعی (Social security) وجود دارد و آن عبارت است از حداقل درآمدی که چنانچه فرد از آن برخوردار باشد، مجبور به دزدی و تکدی نخواهد شد.

زنها بیش از مردها، در معرض فقر قرار دارند، ۸۵٪ فقرای امریکا، سیاهپوست یا اسپانیایی تبار هستند و به طور کلی افراد فقیر بیشتر در معرض ابتلا به بیماریهای عفونی، اختلالات عروقی، ناراحتیهای مفاصل و ناهنجاریهای تکلم بوده و مرگ و میر در آنان شیوع بیشتری دارد.<sup>(۱)</sup> شایان ذکر است که همان پژوهشگران در یک پژوهش دیگر مربوط به سال ۱۹۹۴ م (۱۳۷۳ ه.ش.) ادعا کرده اند که زندگی با درآمد سالیانه کمتر از ۱۴۷۱۲ دلار، زندگی در زیر خط فقر به شمار می آید.<sup>(۲)</sup> بدیهی است که نتیجه هر دو پژوهش یاد شده نه تنها برای جامعه ایرانی، بلکه برای بسیاری از جوامع در حال توسعه و جهان سوم فاقد ارزش و اعتبار است؛ زیرا در صورت معتبر دانستن پژوهشهای یاد شده، کسانی که در جامعه ما، در اواخر دهه ۱۹۸۰ م (سالهای پایانی دهه ۱۳۶۰ ه.ش.) درآمد ماهانه کمتر از ۲۳۷۵۰۰ تومان<sup>(۳)</sup> و در سال ۱۹۹۴ م (۱۳۷۳ ه.ش.) درآمد ماهانه کمتر از ۹۸۰۸۰۰ تومان<sup>(۴)</sup> داشته اند، در زیر خط فقر زندگی می کرده و بنابراین - به استثنای تعداد اندکی از سرمایه داران کلان - همه حقوق بگیران اعم از مدیران، اساتید دانشگاه، معلمان، کارمندان، کارگران و بسیاری از پیشه‌وران و افراد شاغل در مؤسسات دولتی و خصوصی، همه در زیر خط فقر زندگی می کرده و دچار پیامدهای هولناک و زیان بار آن شده اند. اما همچنان که پیشتر اشاره شد، این امر واقعیت نداشته و کسانی که از تفکر منطقی و عقل سلیم برخوردارند، چنین قضاوت و ادعایی نخواهند داشت؛ زیرا در جامعه ایران اسلامی، سبک زندگی،<sup>(۵)</sup> هزینه‌های جاری، چگونگی رویارویی با کمبودها و نحوه انطباق<sup>(۶)</sup> افراد مختلف و طبقات گوناگون جامعه با فقدان امکانات اساسی یا جنبی، با توجه به اعتقادات و فرهنگ رایج، اصول و

۱- کاپلان و سادوک، ۱۹۸۹؛ لوپس، ۱۹۹۱. ۲- کاپلان و سادوک، ۱۹۹۷.

۳- براساس برابری هر دلار ۳۰۰ تومان در آن مقطع زمانی محاسبه شده است.

۴- براساس برابری هر دلار ۸۰۰ تومان در آن سال محاسبه شده است.

مبانی اخلاقی، جهان‌بینی و نگرش به زندگی<sup>(۱)</sup>، با جامعه امریکایی، تفاوت بنیادین چشمگیری داشته و مبانی این تفاوت، عوامل متعددی هستند که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- مفهوم و تفسیر فرهنگی فقر: جامعه ایرانی، با پذیرش اسلام، این دین مبین را به عنوان برترین آیین و راه و روش زندگی خود شناخته و مبانی آن را تنها راه پیشرفت و رسیدن به کمال مادی و معنوی، به شمار آورده است. در همین رابطه هر فرد مسلمان آگاه و آشنا به مبانی دینی و مذهبی می‌داند که پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع)، دانشمندان و متفکران جهان اسلام، فقر مادی را پدیده‌ای ناپسند، زیان‌بار و عامل بدبختی و انحطاط فرد و جامعه دانسته و مردم را از گرفتار شدن به آن، هشدار داده‌اند.

در قرآن کریم از فقر به عنوان نوعی آسیب و زیان یاد شده<sup>(۲)</sup> و به فرموده پیامبر گرامی اسلام(ص) فقر پیامدهایی بدتر از مرگ دارد.<sup>(۳)</sup> همچنین آن بزرگوار فرموده که حضرت ابراهیم(ع) گرفتاری به فقر را بدتر از گرفتار شدن به آتش نمود به شمار آورده است.<sup>(۴)</sup> روایات دیگری هم از معصومین علیهم‌السلام نقل شده که ضمن آنها فقر پدیده‌ای تلخ و هولناک<sup>(۵)</sup>، مایه سیه‌رویی و سیه‌روزی<sup>(۶)</sup> و حالتی بدتر از مرگ<sup>(۷)</sup> به شمار آمده است.

### 1. Attitude to life.

۲- بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۰۸، باب ۶۳، نقلاً عن الصدوق في تفسير قوله تعالى: «وإن يمسسك الله بضرٍّ» أي ببتليّة كمرض و فقر.

۳- همان، ج ۷۲، ص ۴۷، عن النبي(ص): الفقر أشد من القتلي.

۴- همان، ج ۷۲، ص ۴۷: عن النبي(ص) قال إبراهيم يا رب الفقر أشد إلي من نارٍ نمود.

۵- همان، ج ۱۳، ص ۴۱۳، عن الصادق(ع) قال كان فيما أوصى به لقمان ابنه... ودققت المرارات كلها فلم أدق شيئاً أمر من الفقر.

۶- همان، ج ۷۲، ص ۳۰: الفقر سواد الوجه في الدارين.

۷- همان، ج ۱۰، ص ۹۹: الفقر هو الموت الأكبر.

امیرالمؤمنین علی(ع)، فرزند خود محمد بن حنفیه را از گرفتار شدن به فقر، هشدار داده و می‌فرماید: «فرزندم! بیم آن دارم که دچار فقر گردی، برای رهایی از آن، به خداوند پناه بر و از وی یاری بخواه؛ زیرا فقر و تهیدستی، پای بندی آدمی به اعتقادات و انجام اعمال دینی را سُست کرده، نیروی اندیشه و خرد را به تباهی کشیده و باعث پدید آمدن ستیزه جویی، دشمنی و خشونت می‌گردد»<sup>(۱)</sup>. در این عبارت کوتاه و گهربار، بی‌هیچ‌گونه مبالغه و گزافه‌گویی، می‌توان ادعا کرد که به همه عوارض هولناک و زیان‌بار فقر که جدیدترین پژوهش‌های علمی، آنها را به اثبات رسانیده‌اند، و ما در همین مقاله آنها را یادآور خواهیم شد، اشاره شده‌است. باید یادآور شد که در فرهنگ و متون اسلامی، از یک سو واژه فقر تنها به تنگدستی و تهیدستی اطلاق نشده، بلکه در موارد متعددی برای فقر فرهنگی و معنوی - که پیامدهای زیان‌بارتر و هولناک‌تری از فقر مادی دارد - به کار رفته و از سوی دیگر فقر مادی الزاماً در همه مقاطع زمانی و مکانی همراه با پیامدهای زیان‌بار و هولناک به شمار نیامده، برای پرهیز از گرفتار شدن به آن<sup>(۲)</sup> و همچنین برای کسانی که ناگزیر

۱- نهج البلاغه، تحقیق صبحی الصالح، ص ۵۳۱: يَا بُنَيَّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ، فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ، فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ، مُدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ، دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ.

۲- در این مورد روایات آموزنده‌ای از ائمه معصومین(ع) نقل شده که برخی از آنها عبارتند از:

تَرَكَ التَّقْدِيرَ فِي الْمَعِيشَةِ يورثُ الْفَقْرَ - بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۴۷.

عَنِ النَّبِيِّ(ص): الْأَمَانَةُ تَجْلِبُ الْغِنَاءَ وَالْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۱۴.

عَنِ الصَّادِقِ(ع): الْبُرِّ وَالصَّدَقَةِ يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَ يَزِيدَانِ فِي الْعَمْرِ - بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۱۱۹.

أَشْرَفُ الْغِنَى تَرَكَ الْمُتَى... وَإِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَجْمَعَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَاقْطَعْ طَمَعَكَ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ

- مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيرُ، ج ۴، ص ۳۸۴.

عَنِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ(ع): إِعْتِيَادُ الْكُذْبِ يورثُ الْفَقْرَ، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۲۶۱.

كثْرَةُ الْإِسْتِمَاعِ إِلَى الْغِنَاءِ يورثُ الْفَقْرَ - بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۱۴.

الرِّزْنَا يورثُ الْفَقْرَ - بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۳.

دچار آن شده‌اند، رهنمودهای خاصی ارائه گردیده است.<sup>(۱)</sup> در همین زمینه ائمه معصومین (ع) به پیروان خود یادآور شده‌اند که فقر دارای دو گونه متمایز است: فقر مربوط به این جهان مادی و فقر مربوط به روز واپسین<sup>(۲)</sup>. همچنین تأکید فرموده‌اند که فقر راستین همانا فقر خرد و اندیشه است<sup>(۳)</sup> و هیچ فقری بدتر از نادانی نیست<sup>(۴)</sup> و ابلهی پست‌ترین نوع فقر محسوب می‌شود.<sup>(۵)</sup>

۲- سبک زندگی و چگونگی سازش و مقابله با فقر: بیشتر مردم کشور ما، بر خلاف جوامع غربی، به‌ویژه در دوران جنگ تحمیلی، توانایی و تمایل چندانی به تجمل‌گرایی، اسراف و زیاده‌روی در مصرف نداشته و برای نگه‌داری ثبات کانون خانواده، علی‌رغم درآمد اندک تا متوسط، سعی در اداره امور خود به نحو شرافتمندانه‌ای داشته و کوشش می‌کردند امور خود را با نوسانات اقتصادی و اجتماعی تطبیق دهند.

یکی از صفات با ارزش در این زمینه که از بروز پیامدهای ناشی از کمبودها جلوگیری می‌کند، قناعت است که در فرهنگ اسلامی صفتی پسندیده دانسته شده و بسیاری از مردم، با برخورداری از آن، در مقابل پیامدهای فقر، مقاومت شایسته‌ای نشان داده‌اند.

براساس فرهنگ اسلامی، قناعت، عبارت است از: بسنده کردن به اندک، همراه با احساس بی‌نیازی از دیگران و کوشش هر چه بیشتر برای رسیدن به

۱- عن النَّبِيِّ (ص): عليك باليأس مما في أيدي الناس فإنه الغنى الحاضر و إياك و الطمع في الناس فإنه فقرٌ حاضرٌ - بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۴۰۷.

لاكنز أغنى من الفروع - بحار الأنوار، ج ۴، ص ۳۸۴.

۲- بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۴۶: الفقر فقران فقر الدنيا و فقر الآخرة.

۳- همان، ج ۷۲، ص ۵۶: الفقر فقر القلب.

۴- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵ عن النَّبِيِّ (ص): يا علي لا فقر أشد من الجهل.

۵- همان، ج ۱، ص ۲۹: ولا فقر أخط من الحمق.

دستاوردهای بهتر و کمال مطلوب با استفاده از شیوه‌های مشروع<sup>(۱)</sup>. بزرگان دین و اندیشه‌وران، چنین صفتی را به شرط این‌که همراه با احساس دلسردی و ناامیدی نباشد، صفتی والا، با ارزش و نشانه‌ای از پُختگی<sup>(۲)</sup> و کمال شخصیت به‌شمار آورده‌اند.

امیرالمؤمنین(ع)، قناعت را ستایش فرموده و از آن به‌عنوان ثروتی جاودانه و بی‌پایان یاد کرده و احساس بسندگی با حدِّ اقلِّ امکانات زندگی را بهترین سرمایه و وسیله برای زدودن پیامدهای ناشی از فقر، دانسته است<sup>(۳)</sup>. پژوهشگران علوم اجتماعی و روان‌شناسی هم، پدیدهٔ قناعت و انطباق<sup>(۴)</sup> را به‌عنوان یکی از ویژگیهای شخصیت سالم<sup>(۵)</sup> به‌شمار آورده‌اند<sup>(۶)</sup>.

**۳- پای‌بندی به اصول اخلاقی و مبانی سُنّتی:** وجود ویژگیهایی همچون ایثار، انفاق، وقف، شرکت در امور خیریه، پرداخت صدقات و دستگیری از بینوایان

۱- در دیوان امام امیرالمؤمنین علی(ع) برای تعریف و ارزش قناعت، ابیاتی آمده است که به دو مورد آن اشاره می‌کنیم:

الف - ص ۱۶۶ فی القناعة

بیت یواری الفتی و ثوب  
بِسْتُرٍ مِنْ عَوْرَةٍ وَقُوْتُ  
هَذَا بِلَاغٍ لِمَنْ تَحَيَّنَ  
وَذَاكَ كَثِيرٌ لِمَنْ يَمُوتُ

ب - ص ۳۷۰ فی القناعة أيضاً:

أفادتني القناعة كلَّ عِرٍّ  
وَهَلْ عِرٌّ أَعْرُ مِنْ الْقَنَاعَةِ  
فَصَيَّرَهَا لِنَفْسِكَ رَأْسَ مَالٍ  
وَصَيَّرَ بَعْدَهَا لِنَفْسِكَ بِضَاعَةَ  
تَحْرُزُ رِبْحاً وَ تُغْنِي عَنْ بَخِيلٍ  
وَتَنْعَمُ فِي الْجِنَانِ بِصَبْرِ سَاعَةٍ

## 2. Maturity.

۳- نهج البلاغه، تحقیق صبحی الصالح، ص ۵۴۰: لاكثر أغنى من القناعة ولا مال أذهب للفاقة من الرضى بالقوت.

## 4. Adjustment.

## 5. Normal personality.

6. Seierles 1993, Nicholi 1988, Kolb 1982.

و مستمندان و احساس همدردی و همدلی<sup>(۱)</sup> با آنان، عواملی هستند که از پدید آمدن بحرانهای اجتماعی ناشی از فقر در جامعه ایرانی، جلوگیری کرده یا شدت آن بحرانها را کاهش داده‌اند. برخی از این ویژگیها، جزو مبانی اصیل سنتی قوم ایرانی بوده و برخی دیگر، بازتابی از فرهنگ اسلامی هستند.

ایرانیان همواره مردمی نوع‌دوست، میهن‌پرست، دلسوز، مهربان و مهمان‌نواز بوده و صفت همدردی با بینوایان و نیازمندان در میان آنان رایج بوده است<sup>(۲)</sup>. یکی از زیباترین دستورهای اخلاقی که به عنوان شعار ملی و میهنی، به ویژگیهای یاد شده، اشاره کرده، سخن سراینده بزرگ ایرانی، شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی	نشاید که نامت نهند آدمی

در همین راستا، فرهنگ اسلامی هم، دستورالعمل‌های متعددی را به مردم ارائه کرده و همگان را به مشارکت در امور خیریه و ایثار و انفاق، برای کسب رضای پروردگار، تشویق و ترغیب کرده است. در قرآن کریم، انفاق در راه خدا، تجارتی به شمار آمده که سودی بیش از هفتصد برابر اصل سرمایه دارد<sup>(۳)</sup> (امیرالمؤمنین (ع)

### 1. Empathy.

۲- بسیاری از مورّخین و مستشرقین به این ویژگیها اشاره کرده‌اند. از جمله قاضی صاعد آندلسی مؤرخ قرن پنجم هجری در کتاب «التعریف بطبقات الامم»، صص ۱۵۸-۱۶۳ ایرانیان را مردمی با ویژگیهای بیشتری ستوده و «ژان دیولافوا» در کتاب، «سفرنامه ایران و کلد»، صص ۶۷۶ و ۶۹۰ پس از ذکر فضایل اخلاقی ایرانیان، توصیه می‌کند که بهتر است جوانان ایرانی به‌طور آخص و شرقیها به‌طور اعم، به‌سوی باختر نروند زیرا که: «دیده‌ایم اغلب جوانان اروپا دیده، فضایل اخلاقی و نجابت فطری خود را از دست می‌دهند و در عوض اخلاق ناپسند و عادات بد ما (غربیها) را فرا می‌گیرند و چون به وطن خود مراجعت می‌کنند، این معایب را در زیر شیل خُدعه و مکر پنهان می‌نمایند».

۳- مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ



هم در نهج البلاغه، برترین تجارت را نیکوکاری و بیشترین سود را، پاداش و اجر معنوی بشمار آورده است<sup>(۱)</sup>.

۴- **اختلاف طبقاتی:** اگر چه بیشتر پژوهشهای جامعه‌شناسان و روان‌شناسان، جامعه را از نظر وضعیت اقتصادی و ویژگیهای شخصیتی، به پنج طبقه تقسیم کرده<sup>(۲)</sup> و نشان داده‌اند که انواع مختلف اختلالات شخصیتی و رفتاری، بیماریهای جسمی و روانی، بزهکاری، ارتکاب جرایم و تخلف از قانون، در

يُضَاعَفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ - البقرة / ۲۶۱.

۱- **نهج البلاغه،** تحقیق صبحی الصالح، ص ۴۸۸: لَانِجَارَةَ كَالْعَمَلِ الصَّالِحِ وَلَا رَيْحَ كَالثَّوَابِ.

۲- این پنج طبقه عبارتند از:

طبقه ۱ (Class I): زمامداران امور سیاسی و اقتصادی کشور.

طبقه ۲ (Class II): کسانی که دارای مشاغل مدیریتی و معمولاً تحصیلات دانشگاهی هستند. این گروه برای به دست آوردن موقعیت اقتصادی و اجتماعی برتر تلاش می‌کنند و ممکن است دچار تنشهای روانی باشند.

طبقه ۳ (Class III): کسانی که در امور اداری یا دفتری و یا مشاغل تجاری کوچک فعالیت می‌کنند، تحصیلات آنان معمولاً در حد دیپلم است، زنان آنان معمولاً شاغل هستند، افراد این طبقه نسبت به طبقه قبلی رضایت و خوش بینی کمتری از شرایط اجتماعی - اقتصادی موجود دارند.

طبقه ۴ (Class IV): کسانی که غالباً کارگرند و یا به شغل‌های پیشخدمتی پرداخته، تحصیلات آنان در حدود دوره راهنمایی است، احتمال کرایه‌نشینی در این خانواده‌ها بیشتر است، مشکلات و گسستگی خانوادگی در این طبقه نسبتاً بالاست.

طبقه ۵ (Class V): بزرگسالان این طبقه معمولاً بی‌سواد یا کم‌سواد (در حد تحصیلات ابتدایی) هستند، به شغل‌های کارگری نیمه ماهرانه یا فاقد مهارت پرداخته، معمولاً در منازل فاقد امکانات رفاهی و آب گرم در محلات فقیرنشین یا حومه شهرها زندگی می‌کنند، روابط خانوادگی غالباً شکننده است، فعالیتهای اوقات فراغت در داخل و خارج خانه اتفاقی و بدون برنامه است، نوجوانان این طبقه معمولاً ماجراجو و مرتکب جرایم قانونی می‌شوند و روی هم‌رفته نارضایتی از شرایط موجود و زندگی براساس «تنازع بقا» در این طبقه شایع است (کاپلان و سادوک، ۱۹۹۶).

طبقات پایین، شیوع بیشتری دارند، اما در جامعه ایرانی، بروز پدیده‌های یاد شده در طبقات پایین و کم‌درآمد، همیشگی نبوده و در مقایسه با جوامع غربی، با قاطعیت به اثبات نرسیده است<sup>(۱)</sup>؛ زیرا رواج و نفوذ فرهنگ اسلامی در طبقات پایین جامعه، عامل مهمی در جلوگیری از پدیدار شدن صفات ناپسند و بحران‌زا، به‌شمار می‌آید. بنابراین دیدگاه برخی از اقتصاددانان که اختلاف طبقاتی را ویژگی ناپسندی دانسته و ادعا کرده‌اند که مردم، هنگامی خوشبخت می‌شوند که در جامعه‌ای بی‌طبقه زندگی کنند، دیدگاه علمی استواری نیست و اعتبار چندانی ندارد.

اما فرهنگ اسلامی، از یک دیدگاه، اختلافات طبقاتی را به عنوان عامل رشد افراد جامعه به‌شمار آورده و آن را یکی از اسرار آفرینش برای پیشرفت و تکامل انسانها در یک صحنه رقابت، تلقی کرده است. قرآن کریم، بنابه اصل «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»<sup>(۲)</sup>، اگر چه میزان دستاوردهای هر فردی را متناسب با کوشش و تلاش همه جانبه وی می‌داند، اما در موارد متعددی، تأکید می‌فرماید که: بنا به تقدیر الهی، بهره‌مند شدن مردم از رزق و روزی، همسان نبوده<sup>(۳)</sup> و گروهی از نظر ثروت و امکانات، برتری می‌یابند تا گروهی دیگر را و ادار به کار و تلاش کنند<sup>(۴)</sup>.  
با تأمل در معنی و مفهوم آیات شریفه مربوط به موارد فوق و سایر آیات، اخبار و احادیثی که در همین رابطه آمده‌اند، اختلاف طبقاتی، همچون تیغ دولبه‌ای

۱- آمار دقیقی از شیوع جرم و خلاف در طبقات مختلف اجتماعی ایران در اختیار نیست و نمی‌توان به برخی از آمار منتشر شده اکتفا کرد، زیرا گزارش جرایم و تخلفات در طبقات مختلف، به نحو یکسانی انجام نمی‌گیرد و ممکن است یک طبقه دارای جرایم و تخلفات زیادی باشد اما کمتر گزارش شود؛ در حالی که طبقه‌ای دیگر، اکثر جرایم و تخلفاتشان گزارش شود.

۲- سوره نجم، آیه ۳۹.

۳- وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ، سوره نحل / آیه ۷۱.

۴- نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا، سوره زخرف / آیه ۳۲.

است که اگر موارد مثبت آن مورد توجه قرار گیرد و رعایت شود، نه تنها به انحطاط و بدبختی نمی‌انجامد بلکه می‌تواند جامعه را به سوی کمال و ترقی هر چه بیشتر، سوق دهد.

در چنین جامعه‌ای، برای ثروتمندان و تهیدستان، وظایف گوناگون و متعددی در نظر گرفته شده است.

امیرالمؤمنین علی(ع) در نهج البلاغه از یک سو، فروتنی و همدردی ثروتمندان در برابر تهیدستان را یکی از بهترین ویژگیهای شخصیتی دانسته و از سوی دیگر، حفظ عزت نفس و خودداری از اظهار عجز و ناتوانی فقرا را به عنوان صفتی برتر به‌شمار آورده است<sup>(۱)</sup>.

با توجه به موارد یاد شده نتیجه می‌گیریم که:

اولاً تعیین خط فقر در جوامع مختلف، از جمله جامعه ایرانی، کار چندان آسانی نیست، زیرا از یک سو فقر بر مبنای ساختار شخصیتی، فرهنگ رایج، هزینه‌ها و نیازهای اساسی و جنبی زندگی، میزان توقع فرد در برخورداری از کمیّت و کیفیت وسایل و امکانات مورد نیاز، امیال و آرزوها و نگرش فرد به خویش و مقایسه با دیگران و بسیاری از عوامل دیگر، می‌تواند با توجه به مقطع زمانی، ساختار اجتماعی و عوامل متعدّد دیگر، مصادیق مختلفی داشته و پدیده‌ای نسبی تلقی گردد، و از سوی دیگر، اگر آنرا به معنی فقدان حداقل درآمد برای تأمین حداقل امکانات اساسی زندگی یعنی خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش و بهداشت به‌منظور ادامه حیات و پیمودن راه تکامل و ترقی به‌شمار آوریم، مصادیق راستین آن در سطح جامعه گستردگی یکسانی نداشته و شناسایی افراد فقیر در مقاطع مختلف زمانی و مکانی نیازمند ارزیابی دقیق و همه جانبه‌ای می‌باشد.

ثانیاً فقر مادی و تهیدستی می‌تواند در بیشتر موارد - اما نه همیشه - عامل بالقوه‌ای برای بدبختی و انحطاط فرد و جامعه، به‌شمار آید.

۱- نهج البلاغه، تحقیق صبحی الصالح، ص ۵۴۷: ما أحسنَ تَوَاضُعِ الْأَغْنِيَاءِ لِلْفُقَرَاءِ طَلْبًا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ وَ أَحْسَنَ مِنْهُ، تَبَهُ الْفُقَرَاءِ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ إِتْكَالًا عَلَى اللَّهِ.

براساس پژوهشهای معتبر علمی که در جوامع مختلف انجام شده پیامدهای ناشی از فقر در طول زندگی، بسیار متعدد و گوناگون بوده و تأثیر ویژه‌ای در هر یک از مراحل زندگی دارند<sup>(۱)</sup>:

**الف - دوران جنینی و هنگام تولد:** با توجه به این‌که مادران فقیر در دوران بارداری دچار کمبود تغذیه و فقدان خدمات بهداشتی، درمانی و ایمنی بوده و در معرض تنشها و بیماریهای گوناگون قرار دارند، جنین آنان، احتمال بیشتری برای گرفتاری به اختلالات رشد<sup>(۲)</sup> به‌ویژه بیماریهای روانی و عقب‌ماندگی ذهنی<sup>(۳)</sup> دارند. همچنین زایمان زودرس، نارس بودن نوزاد و پایین بودن وزن وی و آسیب‌پذیری در برابر بیماریهای گوناگون در طبقات فقیر، شیوع بیشتری داشته و بدیهی است که در همه موارد یادشده هزینه‌های قابل توجهی برای نگه‌داری نوزاد - در صورت زنده ماندن - صرف می‌شود؛ ولی چنانچه حداقل امکانات در زمان مناسب به مادران فقیر داده شود از بیشتر پیامدهای ناگوار یادشده جلوگیری می‌شود.

**ب - دوران کودکی:** فقر، می‌تواند مشکلات متعددی را برای همه اعضای خانواده به ویژه کودکان در حال رشد، پدید آورد. کمبود یا سوء تغذیه مادری که فرزند خود را شیر می‌دهد، تأثیر مستقیمی در رشد جسمی و روانی کودک داشته، در بسیاری از موارد، با توجه به این‌که حداکثر رشد مغز، در چهار سال اول زندگی انجام می‌گیرد، باعث پدید آمدن حالت‌های شبه عقب‌ماندگی ذهنی خفیف یا بروز و تشدید اختلالات اندامها و دستگاه‌های مهم بدن از جمله دستگاه عصبی مرکزی<sup>(۴)</sup> می‌شود. ضمناً، بیشتر خانواده‌های فقیر به علت این‌که بی‌سواد یا کم‌سواد هستند، فرزندان متعددی خود را در فضای کوچک و نامناسبی نگه‌داری کرده، در نتیجه تماس و برخوردهای زیادی بین اعضای خانواده پدید می‌آید. پژوهشهای روان‌شناسی،

۱- کاپلان و سادوک، ۱۹۸۹.

2. *Developmental Disorders.*

3. *Mental Retardation.*

4. *Central Nervous System.*

نشان داده‌اند که هر چه تماس و برخورد بین اعضای خانواده بیشتر باشد، اختلالات رفتاری و روانی بیشتری در کودکان در حال رشد، پدید آمده و این اختلالات، به صورت صفات ثابت شخصیتی در سنین بالاتر، ظاهر می‌شوند، البته برخی از این صفات، قابل اصلاح و درمان هستند ولی برخی از آنها همچون اختلال سلوک و رفتار<sup>(۱)</sup> و اختلال شخصیت ضداجتماعی<sup>(۲)</sup> می‌توانند بسیار خطرناک و بدفرجام باشند. از سوی دیگر احساس حقارت، خودکم‌بینی و بی‌پناهی یا درماندگی<sup>(۳)</sup> و همچنین طردشدگی<sup>(۴)</sup>، در کودکان یاد شده، شیوع بیشتری داشته و همین امر، می‌تواند به پدید آمدن اختلالات تغذیه‌ای و دفعی، اختلالات تکلم، درگیری در آموزشگاه با همسالان و معلمین، افت تحصیلی و یا ترک تحصیل شده و در نتیجه، سرنوشت کودک را به انحراف و بدبختی بکشاند.

ج - دوران نوجوانی و جوانی: پژوهشهای متعددی نشان داده‌اند که میزان افت تحصیلی و ترک تحصیل، تخلف از قوانین خانه، مدرسه و اجتماع، بزهکاری، ارتکاب جرم و جنایت، پیوستن به گروههای آشوبگر و منحرف، انحرافات جنسی، درگیری با نیروهای نظامی و انتظامی، ازدواج زودرس منتهی به شکست یا جدایی، بی‌ثباتی خانوادگی، طلاق و فروپاشیدن کانون خانواده در نوجوانان و جوانان متعلق به طبقات فقیر و کم درآمد، شیوع بیشتری دارد.

حداقل در شش پژوهش مختلف، آشکار شده است که اختلالات شیزوفرنی<sup>(۵)</sup> در طبقات کم‌درآمد و فقیر، هشت مرتبه شایعتر از طبقات بالای جامعه است. سایر بیماریهای روانی و اختلالات شخصیتی رفتاری که در بعضی موارد همراه با آشوب‌گری و خشونت هستند، در نوجوانان و جوانان مناطق فقیرنشین، شیوع بیشتری داشته و مبتلایان به این اختلالات، نه تنها خودشان، مشکلات متعددی دارند، بلکه برای اطرافیان و اجتماع، مشکل‌آفرین هستند و در

1. Conduct Disorder.

2. Antisocial Personality Disorder.

3. Hopelessness or helplessness.

4. Rejection.

5. Schizophrenic disorders.

برخی از موارد، اقدامات قانونی و درمانی، برای اصلاح و بهبود رفتار آن، مؤثر نیست؛ زیرا این افراد، برای ادامه حیات خود، به جای استفاده از روشهای سازنده و همزیستی مسالمت آمیز یا رقابت سالم، تنها از اصل «تنازع بقای مبتنی بر خشونت و ستیزه جویی» تبعیت می کنند.

#### د - دوران بزرگسالی و کهولت: بسیاری از افراد فقیر و تهیدست، با رسیدن

به این دوران، به دلیل نداشتن دستاورد مثبت و با ارزشی که بتوانند مورد قبول جامعه قرار بگیرند، چاره‌ای جز ادامه راه پیشین خود - ولی با تغییر خاصی در روش و رفتار - ندارند.

گروهی از این افراد، همزمان با دوره‌های بیکاری و ولگردی، به کارهای واسطه‌گری و شغل‌های بی‌اهمیت و فاقد مهارت پرداخته و برخی هم از راههای نامعقول و خلاف قانون، همچون خرید و فروش مواد مخدر و قاچاق به زندگی خود ادامه می دهند. در این افراد، بیماریهای روانی از قبیل افسردگی، اختلالات ساختگی<sup>(۱)</sup>، خودبیمار پنداری<sup>(۲)</sup>، اختلالات تبدیلی<sup>(۳)</sup>، اقدام واقعی یا نمایش به خودکشی<sup>(۴)</sup> و اختلالات رفتاری<sup>(۵)</sup> همچون سرقت، جعل هویت و مدارک، انحرافات جنسی (سوء استفاده کردن از دیگران یا مورد سوء استفاده قرار گرفتن) اعتیاد به الکل و مواد مخدر، پدیده‌های نادری نبوده و در برخی از موارد، پیامدهای خطرناک و جبران‌ناپذیری را به دنبال خواهد داشت.

روی هم رفته در این دوره سنی، احساس یأس، سرخوردگی، بی‌حاصلی و پوچی، فرد را تحت تأثیر قرار داده و بسته به ساختار قبلی شخصیت، واکنشهای گوناگونی را پدید می آورد.

1. *Factitious Disorders.*

2. *Hypochondriasis.*

3. *Conversion disorders.*

4. *Attempt to suicide or manipulative suicide.*

5. *Behavioral disorders.*

## نکاتی پیرامون فقر زدایی و از بین بردن پیامدهای فقر

برای فقرزدایی و از بین بردن پیامدهای فقر، با در نظر گرفتن مواردی که به آنها اشاره کردیم، توجه به چند اصل زیر ضروری است:

۱- فقرزدایی و از بین بردن پیامدهای فقر، در سطح فرد و اجتماع؛ نه تنها از تقویت بنیه اقتصادی، ایجاد مؤسسات تولیدی، سدسازی، استخراج معادن و دیگر موارد مشابه، اهمیت کمتری ندارد، بلکه اهمیت بیشتری هم دارد؛ زیرا چنانچه تقویت بنیه اقتصادی کشور همزمان با افزایش فقر (به علت تورم، افزایش هزینه‌ها و ناتوانی مردم در تأمین نیازهای اساسی زندگی) باشد، تأسیسات ایجاد شده در آینده به دست کسانی خواهد افتاد که از تعادل روانی و شخصیتی متناسب با دستاوردهای دوران سازندگی، برخوردار نبوده و بنابراین، قادر به استفاده صحیح، معقول و منطقی از آن دستاوردها نخواهند بود.

البته باید توجه داشت که تغییر صفات شخصیتی تثبیت شده در فرد، آسان نبوده و چنانچه افزایش فشارهای ناشی از فقر مطلق یا نسبی، بهای سازندگی بوده و پس از طی مرحله‌ی چندساله، فقر مادی کاهش یافته و اکثریت مردم به وضعیت اقتصادی مناسب و مطلوب خود برسند، نباید انتظار داشت که صفات تثبیت شده در شخصیت آنان، همزمان با رسیدن به رفاه نسبی یا کامل، زدوده شود. بنابراین، آثار سوء فقر، در قالبهای دیگری خودنمایی کرده و ممکن است عوارض بسیار زیان‌بارتری از آنچه در افراد فقیر آشکار می‌شود، داشته باشند، بنابراین اگر لازمه سازندگی و تقویت بنیه اقتصادی، نادیده گرفتن و یا هزینه کردن فرهنگ و سنتهای اصیل باشد، نباید اصالت‌های فرهنگی و سنتی را که ضامن بقای این جامعه هستند، فدای تقویت بنیه اقتصادی کرد، بلکه باید همزمان با تقویت مبانی فرهنگی و فضایل اخلاقی و سنتی به سازندگی و تقویت بنیه اقتصادی و معیشتی مردم پرداخت.

۲- پیشرفت و پسرقت ناگهانی اقتصادی، تأثیر عمیقی بر روی افراد جامعه

داشته و با اثرات نامطلوب درازمدتی در ساختار جامعه و «تعامل بین فردی» همراهند.

بر اساس گزارشهای منتشر شده، بحران اقتصادی امریکا در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ همراه با افزایش چشمگیر اقدام به خودکشی و بستری شدن افراد در بیمارستانهای روانی بوده است<sup>(۱)</sup>. به طور کلی، پسرفت و نزول اقتصادی طبقات بالا و متوسط جامعه، همچنانکه اشاره شد، فقر نسبی را به همراه داشته و جبران پیامدهای ناشی از این گونه فقر هم به آسانی ممکن نیست.

از سوی دیگر، پیشرفت و صعود ناگهانی طبقات پایین که بر مبنای عوامل خاص و استثنایی انجام می‌گیرد، صفات نامعقولی همچون استفاده از اصل «تنازع بقا» را به همراه داشته و چنین افرادی، با رسیدن به موقعیتهای جدید و بالا، عرصه رقابتهای سالم را بر دیگران، تنگ کرده و در نهایت، نوعی انحطاط فرهنگی و چیرگی روابط بر ضوابط را در جامعه، رواج می‌دهند<sup>(۲)</sup>. مسؤولان امور باید در این زمینه، با جدیت و دقت اقدام کنند تا جامعه دیر یا زود، از کشیده شدن اجباری به مسیرهای انحرافی و غیر قابل قبول، مصون بماند.

۳- با توجه به اصل «پیشگیری مهمتر و آسانتر از درمان است» اقدامات اساسی در جهت پیشگیری از پدید آمدن فقر واقعی یا نسبی، هزینه‌ای به مراتب کمتر از هزینه لازم برای زدودن پیامدهای فقر، دارد و چنانچه مؤسساتی برای شناسایی افراد فقیر در سطوح مختلف، تأسیس شود، می‌توان با صرف هزینه‌هایی که آسیبی به بنیه اقتصادی کشور نمی‌رساند، اقداماتی اساسی به عمل آورد و از پیامدهای پرهزینه و جبران‌ناپذیر فقر، در امان بود.

به عنوان مثال: ارائه خدمات تغذیه‌ای، بهداشتی و درمانی به زنان باردار متعلق به طبقات کم درآمد و فقیر و تأمین نیازهای اساسی مادر و نوزاد، می‌تواند از بروز بسیاری از بیماریهای جسمی و روانی کودکان که باعث ناتوانی مادام‌العمر آنها می‌شود، جلوگیری کند البته این کار، باید زیر نظر هسته‌های بهداشت و تنظیم خانواده باشد تا مبادا از این رهگذر، برخی از سودجویان، به منظور به دست آوردن امکانات بهتر، به حاملگیهای مکرر بپردازند!!!



همچنین، شناسایی دانش‌آموزان فقیر، جوانان و بزرگسالان آسیب دیده از فقر و ایجاد زمینه تحصیل و اشتغال مناسب برای آنان به منظور جلوگیری از کشیده شدن آن افراد به مسیرهای انحرافی، تأثیر عمده‌ای در زدودن پیامدهای ناشی از فقر دارد.

۴- استفاده درست و معقول از اصول اخلاقی و مبانی اصیل دینی و سنتی در جهت ترویج فرهنگ قناعت، خودداری از اسراف و تجمل‌گرایی، توقع متناسب با کمیّت و کیفیت کار انجام شده، خودداری از رقابتهای ناسالم و فزون‌طلبی بی‌موردی که به تحمل فشارهای روانی و تنشهای گوناگون منجر میشود.

۵- تجدید نظر در نظام مالیاتی و تعیین مالیات متناسب با درآمد و مخارج افراد و بخشودگی برای طبقات فقیر، آسیب‌پذیر و در حال پسرفت، همزمان با دریافت مالیات تصاعدی از کسانی که در تحصیل ثروت، مسیرهای صعودی بی‌رویه‌ای را طی می‌کنند.

۶- پایبندی به سه اصل مهم: جلوگیری از بروز فقر، کاستن از شیوع آن در جامعه و کاهش دادن ناتوانی‌ها و پیامدهای ناشی از آن<sup>(۱)</sup> با تأسیس شبکه‌های حمایت اجتماعی<sup>(۲)</sup> و با پذیرش این اصل که هر چه شبکه‌های یادشده، نیرومندتر باشند، آسیب‌پذیری افراد جامعه در برابر اختلالات روانی ناشی از فقر، کمتر خواهد بود، می‌تواند از بروز پیامدهای نامطلوب فقر جلوگیری کند.

1. Primary, Secondary & Tertiary Prevention.

2. Social Support.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- ابن بابویه قمی: محمد بن علی بن الحسین، الخصال، ترجمه سید احمد فهری، تهران، انتشارات علمیّه اسلامیّه، چاپ اول، ۱۳۶۱ ش.
- همو: من لایحضره الفقیه، تهران، دارالکتب الإسلامیّه، چاپ پنجم، ۱۳۶۸ ش.
- الفیومی، احمد بن محمد بن علی: المصباح المنیر، قم، انتشارات دارالهجرة، چاپ اول، ۱۳۶۳ ش.
- انجمن روان پزشکی امریکا: راهنمای آماری و تشخیص اختلالات روانی، ترجمه محمد رضا نائینیان و همکاران، تهران، انتشارات دانشگاه شاهد، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
- اندلسی، قاضی صاعد: التعریف بطبقات الامم، تحقیق غلامرضا جمشید نژاد، چاپ اول، تهران، دفتر نشر میراث مکتوب، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
- برکات، محمد فارس: الجامع لمواضيع آیات القرآن الکریم، تهران، منظمة الحج والأوقاف والامور الخیریه فی ایران، چاپ دوم، ۱۳۶۵ ش.
- بیهقی نیشابوری، ابوالحسن محمد بن الحسین: دیوان امام علی (ع)، ترجمه ابوالقاسم امامی، تهران، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
- دهخدا، علی اکبر: لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
- دیالافوا، ژان: سفرنامه ایران وکلده، ترجمه فرهوشی، تهران، انتشارات کتابفروشی خیام، چاپ دوم، ۱۳۶۱ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد: المفردات فی غریب القرآن، تهران، دفتر نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.
- رفیع پور، فرامرز: آنا تومی جامعه، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
- همو: توسعه و تضاد، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
- ریس، لنفورد: مختصر روان پزشکی، ترجمه عظیم وهاب زاده و همکاران، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.

- ساراسون، ایروین و باربارا: روان‌شناسی مرضی، ترجمه بهمن نجاریان و همکاران، تهران، انتشارات رشد، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ش.
- سعدی، مصلح بن عبدالله: کلیات، تصحیح محمد علی فروغی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۳۴ ش.
- شریف رضی، ابوالحسن محمد بن الحسن الموسوی: نهج البلاغه، تحقیق صبحی الصالح، انتشارات دارالهجره، بی تا.
- طوسی، محمد بن الحسن: تهذیب الأحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۴ ش.
- فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب: القاموس المحیط، بیروت، المؤسسة العربیة للطباعة والنشر، بی تا.
- کاپلان و سادوک، هارولد و بنیامین: خلاصه روان‌پزشکی، ترجمه نصرت‌الله پورافکاری، تهران، انتشارات آزاده، چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.
- کاپلان، هارولد: خلاصه روان‌پزشکی - علوم رفتاری، ترجمه نصرت‌الله پورافکاری، تهران، انتشارات شهرآب، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
- کاستلو، تیموتی و جوزف: روان‌شناسی نابهنجاری، ترجمه نصرت‌الله پورافکاری، تهران، انتشارات آزاده، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
- کلارنس، ج. او: مباحث عمده در روان‌پزشکی، ترجمه جواد وهاب‌زاده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۰ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق: الأصول من الکافی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۵۰ ش.
- گیلدروگات، مایکل و دنیس: درسنامه روان‌پزشکی اکسفورد، ترجمه نصرت‌الله پورافکاری، تهران، انتشارات آزاده، چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.
- مجلسی، محمد باقر: بحارالانوار، بیروت، انتشارات داراحیاء التراث العربی، ۱۳۶۲ ق.
- هاریسون: روان‌پزشکی، ترجمه بابک شکوهی و همکاران، تهران، نشر فروغ اندیشه، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.

- Blueglass & Bawden, Robert & Paul: *Principles and practice of forensic psychiatry*, Churchill Livingstone, Longman group, UK, 1990.
- Kaplan & Sadock, Harold & Benjamin: *Comprehensive textbook of psychiatry*, Williams & Wilkins, Baltimore, 6th ed, USA, 1989.
- Kaplan & Sadock, Harold & Benjamin: *Synopsis of psychiatry*, Williams & Wilkins, Baltimore, 5th ed, USA, 1988.
- Kolb, Lawrence: *Modern Clinical psychiatry*, Saunders company, 10th ed, Philadelphia, 1982.
- Lazare, Aaron: *Outpatient psychiatry*, Williams & Wilkins, Baltimore, 2nd ed, USA, 1988.
- Lewis, Melvin: *Child and adolescent psychiatry*, Williams & Wilkins, Baltimore, USA, 1991.
- Nicholi, Armand: *The new Harvard guide to psychiatry*, Harvard University press, 2nd ed, 1988.
- Sierles, Frederick. *Behavioral science for medical students*, Williams & Wilkins, Baltimore, 1st ed, USA, 1993.
- Williams & Richard, Kammerers & Gross: *Medical Consultation*, Williams & Wilkins, Baltimore, 2nd ed, USA, 1990.